

وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر در اندیشه امامین انقلاب*

مجید تندر^۱

سید حامد شاهرخی^۲

چکیده

مقاله با عنوان «وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر در اندیشه امامین انقلاب» به بررسی وظایف و نقش حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر و ارزیابی این وظایف در اندیشه امامین انقلاب به عنوان فقه‌های کارگزار و مهدوی می‌پردازد. به طور کلی، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه راهی برای تحقق عدالت و اصلاح جامعه است، اما انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه نیازمند آماده‌سازی و آموزش علمی و اخلاقی جامعه است. بنابراین، حوزه‌های علمیه نقش کلیدی در پیشبرد این هدف دارند. هدف اصلی مقاله، بررسی و تجزیه و تحلیل نظرات امامین انقلاب درباره مهم‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه از جمله: تبیین و تفسیر اهداف و مقاصد مکتب، مرزبانی شریعت و حفظ دین از انحراف و تحریف، ایجاد جامعه منتظر بر مبنای قسط و نفی تبعیضات ناروا و مبارزه با ستم اجتماعی و اقتصادی، قضاوت و دادرسی و حل مشکلات قضایی جامعه، حکومت و نظارت بر اجرای احکام الهی است و نقش و اهمیت آنها را در جامعه منتظر بررسی می‌کند. انجام این پژوهش، به دو دلیل ضرورت دارد. اولاً، حوزه‌های علمیه به عنوان مرکز اصلی تربیت و آموزش علمی و دینی در جامعه منتظر، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تربیت نیروهای تخصصی دارند. اما ارزیابی و تحلیل این نقش و وظایف در اندیشه امامین انقلاب می‌تواند کمک کند تا کیفیت آموزش و تربیت در حوزه‌های علمیه بهبود یابد و نیازهای جامعه اسلامی را درک کنند. ثانیاً، حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز و نهادهای معتبر و موثق در جامعه، می‌توانند به ترویج ارزش‌های اسلامی و تهیه بستری مناسب برای آماده‌سازی جامعه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه کمک کنند. روش تحقیق در این مقاله، براساس روش تحلیل محتواست. نظرات امامین انقلاب در رابطه با وظایف حوزه‌های علمیه از طریق متون و خطابه‌ها و سخنرانی‌ها و منابع دیگر مرتبط بررسی می‌شوند و سپس تجزیه و تحلیل می‌شوند. با این روش، نظرات امامین انقلاب درباره وظایف حوزه‌های علمیه به دقت بررسی می‌شود و نتایج آن در ارزیابی و بهبود عملکرد حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

حوزه‌های علمیه، وظایف و کارویژه‌های حوزه‌های علمیه، جامعه منتظر، اندیشه امامین انقلاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۴

۱. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران (نویسنده مسئول) (Public@scu.ac.ir).

۲. دکترای انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه؛ محقق و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (Shahrokhi57@gmail.com).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): اللهم ارحم خلفائی ثلاث مرات فقیل له یا رسول الله و من خلفاؤك قال الذین یأتون من بعدی و یروون عنی أحادیثی و سنتی فیعلمونها الناس من بعدی؛
خدایا، جانشینان مرا رحمت کن و این سخن را سه بار تکرار فرمود. پرسیده شد که ای پیغمبر خدا، جانشینانت چه کسانی هستند. فرمود: کسانی که بعد از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند و آن را پس از من به مردم می آموزند (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۲۰، ح ۵۹۱۹).

پس از پایان سلسله انبیاء و غیبت آخرین سلاله پاک ائمه معصومین (علیهم السلام) از فقها و روحانیون به عنوان جانشینان این تبار پاک یاد می شود.

دین اسلام به عنوان مکتبی دارای برنامه های متناسب با زمان برای زندگی سعادت مند است؛ مکتبی که برای مسائل مختلف حکومتی و فقهی و سیاسی و مدیریت جامعه و مقابله با مکاتب فکری و فرهنگی مهاجم غربی در عصر انتظار راه حل دارد. حوزه های علمیه و عالمان دینی که پرچمداران اسلامند در برابر این مسئولیت و رسالت جهانی، با ایفای نقش تاریخی خود در بقای دین و تقویت روحیه انتظار در جامعه سهم بسیار خطیر و حیاتی دارند.
در آیات و روایات اسلامی برخی وظایف برای عموم جامعه ترسیم شده است به گونه ای که افراد در هر مکان و زمانی باید به وظیفه خود به عنوان یک مسلمان متعهد عمل نمایند، اما در برخی روایات، وظایف خاصی برای منتظران مشخص شده که در این پژوهش به وظایف اختصاصی حوزه های علمیه به عنوان طلایه داران هدایت و رهبری جامعه برای ایجاد و آمادگی جامعه منتظر و زمینه ساز ظهور حضرت حجت (علیه السلام) در سه عرصه جامعه و نظام پرداخته می شود.

حوزه های علمیه کنونی میراث دار اندیشه های دینی ما هستند که بیش از هزار سال پیش در گذر اعصار و قرون و فرازو فرودها و اوج و حضیض و پیچ و خم حوادث، غربت، زندان و تبعید و رنج ها، عاشقانه و مشتاقانه پیام اسلام و معارف امامان معصوم (علیهم السلام) را پاس داشتند و با درس و بحث و جهاد و مجاهدت خویش نسل به نسل، این معارف را به کام تشنگان حقیقت و امامت و ولایت ریختند. تحول حوزه های سرافرازی همچون ری، قم، بغداد، حله، جبل عامل، نجف، مشهد، اصفهان، شیراز و ده ها مرکز علمی و پژوهشی و تربیتی دیگر، حدیث مکرر این رسالت و مسئولیت است.

حوزه‌های علمیه شیعه در طول حیات خود از زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام، فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده؛ لکن با عنایات الهی در تاریخ پرافتخار خود توانسته است به عنوان ملجأ دینی مردم، از مرزهای دین و دینداران دفاع نماید. در دوران معاصر، حوزه‌های علمیه و عالمان دینی با تغییر وضعیت جدید و با حضور عالمانه خود به رغم امواج مختلف تمدن تجدیدی، نقش خود را در جامعه و امت اسلامی و در پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه‌الله ایفا نموده است. این دو مواجهه گسترده و بنیادی که در بازه زمانی بسیار کوتاه در جامعه دینی به وقوع پیوست، حوزه و عالمان دینی را با وضعیت خطیری روبرو ساختند. لذا براساس ظرفیت‌های موجود و امکان‌های پیش‌رو، حوزه و عالمان دینی رسالت‌های زیادی را بر دوش کشیده و گام‌های مختلفی برداشته‌اند. تجربیات به دست آمده نشان می‌دهد که لازمه عبور موفق حوزه و عالمان دینی از این شرایط و بهبود وضعیت دین و دینداران در عرصه جامعه و امت اسلامی، برای زمینه‌سازی ظهور، وجود منطق، نظام و قاعده‌های نظری و عملیاتی مشخص برای اتخاذ تصمیم‌های درست است.

یکی از مهم‌ترین جایگاه‌ها که تنظیم امور حوزه‌ها در وضعیت جدید را نشان خواهد داد، تنظیم خروجی‌های حوزه متناسب با قواعد مشخص و هماهنگ با انجام وظایف در موقعیت‌های مختلف به گونه‌ای که تا حد ممکن حوزه و عالمان دینی وظایفی را بر عهده بگیرند که: اولاً؛ بتوانند مأموریت اصلی و اساسی خود را انجام دهند و در راستای تحقق رسالت‌های دینی حوزه و عالمان دینی باشد؛ ثانیاً؛ کمترین تداخل، تخالف و تضاد در میان آنها وجود دارد؛ ثالثاً؛ تا حد ممکن از سایر ظرفیت‌های دینی مؤمنان و جامعه دینی در ذیل مراتب علمی و عملی عالمان دینی بهره گرفته شود و تا حد ممکن از حضور عالمان دینی در جایگاه‌هایی که ضرورت نداشته و یا محل کارویژه‌های اصلی عالمان دینی است، جلوگیری شود؛ رابعاً؛ بیشترین تطابق را با شرایط تاریخی و اجتماعی داشته باشد. این مهم از مطالبات امامین انقلاب و مراجع عظام حوزه نیز بوده است.

مفهوم شناسی برای درک درست از مبانی و نتایج این پژوهش لازم است به تبیین برخی مفاهیم اصلی و پرتکرار بپردازیم:

۱. حوزه علمیه

نهادی است تربیتی، آموزشی، پژوهشی، تبلیغی که در راستای استقرار رسالت نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام با هدف تبیین، تبلیغ و صیانت از فرهنگ و معارف دینی و در جهت

هدایت جامعه فعالیت می‌کند (کارویژه‌های روحانیت، ۱۴۰۱ش: ۱۰). و از لحاظ جغرافیایی حوزه‌های علمیه و علمای ایران و عراق و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی را شامل می‌شود.

۲. وظایف و کارویژه‌ها

وظایف و نقش‌های ذاتی و موقعیتی است که علمای شیعه و حوزه‌های علمیه به عنوان نخبگان دینی در عرصه‌های مختلف همچون تعلیم و آموزش، تربیت و اخلاق، تبلیغ و هدایت، تحقیق و اجتهاد، سیاسی و مدیریتی در پاسخگویی به نیازها و احتیاج‌های حوزه، نظام و جامعه در سطح ملی و بین‌المللی دارد.

۳. جامعه منتظر

جامعه‌ای آرمانگراست که درصدد زمینه‌سازی برای حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ پس باید ویژگی‌هایی متناسب و منطبق بر فرآیند زمینه‌سازی را داشته باشد؛ یعنی در عین حال که جامعه دینی است، در چشم‌انداز آینده خود، حاکمیت حجت الهی و ارزش‌های الهی را ببیند و براساس آن، برنامه‌ریزی و اقدام کند. گیدنز جامعه را این‌گونه تعریف می‌کند: جامعه، دسته‌ای از مردم است که برای نیل به منفعت عمومی در حال همکاری به سر می‌برند (گلشن، ۱۳۹۳ش: ۲۵).

در اندیشه امامین انقلاب، وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر دارای مبانی نظری هستند که به طور کلی شامل موارد زیر می‌شوند:

الف) انعکاس آموزه‌های دینی: یکی از اصلی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر، انعکاس آموزه‌های دینی و اسلامی به صورت روشن است. علمای حوزه‌های علمیه باید قادر باشند احکام و آموزه‌های دینی را مطابق با مسائل روز جامعه منتظر تفسیر کنند و آن را به عنوان راهنمایی برای مردم ارائه دهند.

ب) تبیین مفاهیم دینی: علمای حوزه‌های علمیه مسئولیت تبیین و تفسیر مفاهیم دینی خاصی را بر عهده دارند. از طریق تحلیل و توضیح مفاهیم دینی نظیر توحید، نبوت، امامت و قیامت، باید روشنایی بیشتری به جوانان و عموم مردم منتظر بدهند.

ج) ارتباط با جامعه: حوزه‌های علمیه نباید از جامعه جدا شود و باید تلاش کند ارتباط نزدیکی با جامعه برقرار کند. این ارتباط باید در دو جهت باشد: از یک طرف به جامعه پاسخگو باشد و نیازها و مسائل جامعه را بشناسد و از طرف دیگر بتواند مسائل و مشکلات اجتماعی را بررسی و حل کند.

د) **تحقیق و پژوهش:** یکی از وظایف مهم حوزه‌های علمیه نظریه‌پردازی و پژوهش درباره مسائل است که جامعه منتظر با آنها روبرو است. علمای حوزه علمیه باید تلاش کنند تا مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به صورت علمی تحقیق کرده و راه‌حل‌های مناسب برای آنها ارائه دهند.

ه) **آموزش و تربیت نیروهای متعهد:** حوزه‌های علمیه مسئولیت آموزش و تربیت نیروهایی را بر عهده دارد که علاوه بر دانش عمومی، با اصول و آموزه‌های دینی آشنا هستند و توانایی‌های لازم برای تدریس و تبلیغ را دارند. این نیروها باید تجهیز شده و آماده برای انتقال دانش و آموزه‌های دینی به نسل‌های آینده باشند.

با توجه به این مبانی نظری، حوزه علمیه در اندیشه امامین انقلاب، نقش بسیار مهمی در تفسیر آموزه‌های دینی و حل مسائل اجتماعی در جامعه منتظر دارد. تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره «وظایف حوزه‌های علمیه» انجام شده است. این پژوهش‌ها به صورت کلی بیشتر در حوزه‌های زیر صورت گرفته‌اند:

۱. **توصیف و بررسی وظایف حوزه‌های علمیه:** در این نوع پژوهش، نقش و وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر بررسی می‌شود. این تحقیقات به بررسی مسائلی مانند آموزش، تربیت و پژوهش در حوزه‌های علمیه می‌پردازند.

۲. **بررسی نظریات علمی درباره وظایف حوزه‌های علمیه:** در این نوع پژوهش‌ها، نظریات و دیدگاه‌های مختلف علمی درباره وظایف حوزه‌های علمیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش‌ها می‌توانند با تکنیک‌های کتابخانه‌ای انجام شوند و نتایج نظریه‌های مختلف درباره وظایف حوزه‌های علمیه را گزارش کنند.

۳. **بررسی تاریخی و فرهنگی وظایف حوزه‌های علمیه:** این نوع پژوهش‌ها به بررسی چگونگی شکل‌گیری و تحول وظایف حوزه‌های علمیه در جوامع منتظر می‌پردازند. درباره موضوع این پژوهش به صورت جداگانه یعنی حوزه‌های علمیه و نقش آنان در امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و تربیتی و... کتاب و مقالات بسیاری نوشته شده که به صورت مختصر عبارتند از:

الف) ۱. کتاب مجموعه مقالات "حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی" به اهتمام محمود فلاح، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶، نویسندگان مقالات در این اثر به تبیین مسئولیت‌های حوزه‌های علمیه در عرصه ملی و بین‌المللی با نگاهی واقع‌بین به آسیب‌شناسی و چالش‌های فرارو و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود پرداخته‌اند؛ ۲. مقاله

"جایگاه و نقش روحانیت در نظام اسلامی از دیدگاه امامین انقلاب" نوشته محمد ملک زاده، فصل نامه علمی تخصصی پاسخ، ش ۲۸، زمستان ۱۴۰۱، نویسنده در این مقاله به وظایف روحانیت همچون هدایت فکری و اعتقادی مسلمانان در ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی پرداخته و این امر تنها با حضور و پیشگامی روحانیت متعهد از طریق حفظ ارتباط صمیمانه و مستمر با مردم و هوشیاری در برابر توطیه های عناصر نفوذی دشمنان اسلام و انقلاب امکان پذیر خواهد بود؛ ۳. مقاله "نقش حوزه های علمیه در صیانت دین در جوامع اسلامی" نوشته سیده حکیمه موسوی، مجله علمی تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی، ش ۹، تابستان ۱۴۰۱، نویسنده در این مقاله تلاش نموده به نقش حوزه های علمیه به عنوان یک نهاد آموزش دین در صیانت دین از انحراف ها در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و اجرای احکام اسلامی با استناد به آیات و روایات پرداخته و موجب جلب اعتماد جامعه شده است؛ ۴. مقاله "بایسته های روزآمدی و کارآمدی پژوهش های حوزوی"، نوشته سیدسجاد ایزدهی، مجله پژوهش و حوزه، بهار و تابستان ۱۴۰۰. نویسنده در این مقاله به بررسی روش ها و رویکردهای کارآمد در انجام پژوهش های حوزوی و به پرسشی مهم می پردازد که آیا پژوهش های حوزوی بایستی به همان شیوه ها و روش های انجام پژوهش های دیگر غیر از حوزه متکی شوند یا نه؟ ۵. مقاله "الگوی هنجاری مشارکت حوزه علمیه در تدوین و اجرای های فرهنگی کشور سیاست از منظر مقام معظم رهبری" نوشته سید محمدحسین هاشمیان و علی مولایی آرانی، دوفصل نامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، در این مقاله به جایگاه ویژه حوزه علمیه در نظام جمهوری اسلامی ایران در فرایند سیاست گذاری فرهنگی در فرایند سه مرحله ای تدوین، اجرا و ارزیابی پرداخته است.

ب) و همچنین درباره "جامعه منتظر" نیز آثار فراوانی وجود دارد که آنان نیز با رویکردهای مختلفی به این موضوع پرداخته اند که برخی از آنان عبارتند از: ۱. مقاله "شاخصه های سیاسی جامعه منتظر در اندیشه آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، نوشته امیرسیاهپوش، مجله علمی ترویجی جامعه مهدوی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، نویسنده در این مقاله، انجام هر حرکت و کنشی که با تفکر امام، همسو و همجنس باشد در تسریع در امر ظهور مؤثر است. در اندیشه رهبر انقلاب، مهم ترین شاخص های سیاسی جامعه منتظر عبارتند از: «وحدت کلمه»، «ولایت مداری و نفی طاغوت»، «تمام خواهی و کمال طلبی»، «تحول خواهی و انقلابی گری»، «امید و اعتماد به وعده الهی» و «عدالت و مبارزه با ظلم»؛ ۲. مقاله "جامعه منتظر و بایسته های تمدن سازی از منظر آیت الله خامنه ای" نوشته قنبرعلی صمدی، مجله علمی ترویجی جامعه

مهدوی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، در این مقاله رسالت جامعه منتظر تمدن و تمدن‌سازی براساس اندیشه مقام معظم رهبری تبیین شده و رسیدن به این تمدن را ممکن و در دسترس تصور نموده است، ایشان ضمن تبیین فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی، مهم‌ترین رسالت جامعه منتظر در دوران معاصر را تمدن‌سازی با الهام از آرمان تمدن مهدوی دانسته و برخی از بایسته‌های حرکت در این مسیر را برشمرده است؛ ۳. مقاله "وظایف جوانان در جامعه منتظر" نوشته رضا برنجکار و سیدحسن سیادت، مجله علمی ترویجی جامعه مهدوی، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، بنابراین درباره مسئله پژوهشی که تبیین و تحلیل وظایف حوزه‌های علمیه و نقش آن در ساخت و تقویت جامعه با رویکرد انتظار، آن هم با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب تاکنون اثری نگاشته نشده است.

مقاله حاضر با تأکید بر کمال و تأمین سعادت جامعه، از دستورات اسلامی به عنوان چارچوب نظری استفاده می‌کند. از طرف دیگر، این مقاله به وعده‌های الهی برای فعلیت در آمدن جامعه منتظر و آماده برای حضور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی اشاره می‌کند. به طوری که در روایات اسلامی آمده است که پیروان حضرت اعم از علما و نخبگان و عموم مردم موظفند اقدامات شایسته‌ای برای تحقق ظهور انجام دهند.

با توجه به اهداف و موضوع اصلی تحقیق، اهمیت اصلی این است که منطق و موقعیت - شناسی تحلیل قوی و قابل دفاع باشد. این امر باعث می‌شود که نتایج به دست آمده، از جهت قدرت، جامعیت و اعتبار بیشتری برخوردار باشند. بنابراین، روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و کاربردی، به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع دینی، نظرات امامین انقلاب، اسناد بالادستی مکتوب حوزوی و کشوری، کتاب‌ها و سایت‌ها، برای طرح چارچوب نظری و پاسخ به مسئله پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وظایف در عرصه حوزه‌های علمیه (روزآمدی و کارآمدی)

حوزه‌های علمیه در عرصه روزآمدی و کارآمدی دارای وظایف متعددی هستند:

۱. آموزش علوم دینی و فلسفه اسلامی

یکی از وظایف اصلی حوزه‌های علمیه آموزش و ترویج علوم دینی و فلسفه اسلامی است. در حوزه‌ها معمولاً درس‌هایی از قرآن، تفاسیر، حدیث، فقه، عقاید و علوم اخلاقی تدریس می‌شود.

۲. شناخت و ترویج اصول و فرایندهای مربوط به عدالت اجتماعی و توسعه

حوزه‌های علمیه در برخی کشورها نقش مهمی در ترویج اصول عدالت اجتماعی و توسعه

اجتماعی دارند. آنها می‌توانند اصول و مفاهیم اخلاقی و انسانی را به جامعه عرضه و در زمینه‌هایی مانند: آموزش و توسعه اقتصادی راهبرد ارائه دهند.

۳. آموزش و پژوهش در علوم اسلامی

حوزه‌های علمیه نقش مهمی در تولید و انتشار علوم اسلامی دارند. آنها می‌توانند محتواهای تحقیقاتی و آموزشی در موضوعاتی مانند فقه، علم کلام، علوم قرآن و حدیث، تاریخ و فلسفه اسلامی تولید و منتشر کنند.

۴. ترویج فرهنگ علوم و فناوری

حوزه‌های علمیه می‌توانند به عنوان ترویج‌کننده فرهنگ علم و فناوری فعالیت کنند. آنها می‌توانند برنامه‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی در زمینه علوم و تکنولوژی برگزار کنند و مساعدت در آموزش مهارت‌های لازم برای استفاده از فناوری به جوانان و دیگر اعضای جامعه ارائه دهند.

۵. ترویج دیالوگ بین فرقه‌ها

در شرایط کنونی جهان اسلام، نگاه تقریبی و آموزش مذاهبی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. پایگاه اصلی تعامل در امت اسلام، مسائل آموزشی و فرهنگی و زیرساخت وحدت نیز تعامل و همگرایی نخبگان و نماد بارز تعامل، در مراکز آموزشی است؛ برای تعامل صحیح با سایر فرق اسلامی باید بر قرآن، سنت پیامبر ﷺ و عقل تکیه کرد و مباحث شیعه در مباحث امامت، ولایت، فروع و اصول اعتقادی باید به قرآن و سنت قطعی پیامبر ﷺ و عقل برگردد... البته قرآن در این جا جایگاه مهمی دارد؛ لذا در گفتگو با جهان اهل سنت و خواهران و برادران دینی در جهان و برای حضور در عرصه جهانی باید سرمایه قرآن مغتنم شمرده و پایه مباحث قرآنی با کمک به ادله قطعی و عقل استوار شود (اعرافی، ۱۳۹۵: ۳۰۰). حوزه‌های علمیه توانایی ایجاد محیطی برای بحث و تبادل نظر بین اعضای مختلف فرقه‌ها و مذاهب را دارند. آنها می‌توانند فضایی را برای دیالوگ فرهنگی و مذهبی فراهم کنند و به ارتقای احترام متقابل و درک میان فرقه‌ها کمک کنند.

۶. ترویج صلح و همدلی

حوزه‌های علمیه می‌توانند در ترویج صلح و همدلی نقش مهمی ایفا کنند. آنها می‌توانند اصول و آموزه‌هایی را درباره روابط انسانی و همدلی به جامعه عرضه کنند و به ترویج فرهنگ

صلح و آرامش کمک کنند.

در کل، حوزه‌های علمیه به عنوان مراکزی برای آموزش و ترویج علوم دینی و فرهنگ اجتماعی در جوامع اسلامی عمل می‌کنند و نقش‌های مهمی در تحقق روزآمدی و کارآمدی این جوامع دارند به به برخی دیگر از آن امور عبارتند از:

مطابق برخی نصوص دینی، یکی از وظایف عالم دینی، زمان‌شناسی است. از امام صادق (ع) نقل شده است که «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» (کلینی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۷، ح ۲۹)؛ عالم زمان‌شناس، هیچ‌گاه مقهور پدیده‌ها و حوادث مشتبه و فریب‌دهنده نمی‌شود. زمان‌شناسی اجتهاد را کارآمد می‌کند.

استنباط و تبیین معارف دین در همه عرصه‌های متناسب با نیازهای بشر در هر عصر، به معنای به روزرسانی و تطبیق مفاهیم دینی با زمان و مکان است. در هر عصری، نیازهای بشر تغییر می‌کند و جوامع بشری نیازمند معارف و راهنمایی‌های دینی است که با این نیازها سازگار باشند و به آنها پاسخ دهند.

به عنوان مثال، در زمان حیات پیامبران، معارف دین در عرصه‌هایی مانند اعتقادات، مبانی اخلاقی، قوانین حقوقی و نظام اجتماعی تبیین شده است. این تبیین در راستای تامین نیازهای بشر در طول زمان صورت گرفته است.

اما در عصر حاضر، با تغییرات اجتماعی، فناوری و ارتباطات، نیازهای بشر تغییر کرده و نیازمند استنباط و تبیین معارف دینی متناسب با این نیازها هستیم. برای مثال، در عصر حاضر که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت پیش می‌رود، به دین نیازی به استنباط و تبیین قوانین مربوط به حریم خصوصی در فضای مجازی و تجارت الکترونیک و نیازهای اخلاقی مرتبط با این حوزه‌ها دارد.

آن قضایی که اسلام فرموده است و آن شرایطی که اسلام فرموده است، باید به تدریج دنبالش برویم (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ش ۳۷۹، ح ۱۷).

بنابراین، استنباط و تبیین معارف دین در همه عرصه‌های متناسب با نیازهای بشر در هر عصر، به معنای تطبیق دین با نیازها و مسائل جدید در جامعه است. این امر نیازمند اجرای تحلیلی و فهم عمیق مفاهیم دینی و توانایی تفسیر آنها با توجه به زمان و مکان فعلی است. بخش عمده حقایق و معارف مربوط به عالم غیب (ماورای مادی) در قرآن و روایات اسلامی مطرح شده است. در عرصه پاسخگویی به مسائل اعتقادی، اخلاقیات، آموزه‌های مرتبط با نیازهای عصری بشری از منابع اسلامی، اجتهاد پویا و تسلط بر استدلال عقلی ضرورت دارد.

در این باره ملاصدرا معتقد است مباحث الهی و معارف ربانی چنان پیچیده و دقیق است که جز به تدریج و با تأمل به حقیقت و کنه آنها نمی‌توان راه یافت و کسی که می‌خواهد در این دریای ژرف وارد شود و در حقایق ربانی تعمق نماید باید خود را به ریاضت‌های علمی و عملی عادت دهد (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸ ش: ۸).

حوزه علمی نهادهی است که در عصر غیبت با اتصال روشمند به منابع فهم دین حلقه اتصال مؤمنان با اهل بیت علیهم‌السلام بوده و در اقامه و استمرار دینداری مردم پیشران‌اند، آنچه باید مورد اهتمام قرار گیرد موضوع «اقامه دین» است، اقامه یعنی برافراشتن، فراگیر نمودن، در این صورت فهمیدن و به دیگران فهماندن معارف اسلامی ضروری است، آنان در عصر حاضر با وجود نیازها و مسائل نوپدید، جوابگوی مردم بوده‌اند، براساس روایتی که در منابع متعدد شیعه و اهل سنت از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که فرمودند: «العلماء ورثة الأنبياء»، (کلینی، ۱۳۶۷ ش: ج ۱، ۳۲، ح ۲) و انبیاء بنابه نص قرآن کریم وظیفه اقامه قسط و عدل را نیز داشته‌اند، بنا به آیه شریفه:

﴿لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط﴾ (حدید: ۲۵)؛

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در این آیه سیمای حقیقی اسلام در زمینه تعلیم و تربیت، گسترش و اجرای عدالت در جامعه به تصویر کشیده شده است و پایه انقلاب و تحول فکری و فرهنگی را از مجرای آموزه‌های کتاب آسمانی و عقل و منطق دنبال نموده است.

مقام معظم رهبری در شرح حدیث نقل شده چنین بیان می‌کند:

ما می‌گوئیم «نحن ورثة الأنبياء» این وراثت انبیاء چیست؟ مبارزه با همه آن چیزی است که مظهر آن عبارت است از طاغوت؛ با شرک، با کفر، با الحاد، با فسق، با فتنه؛ این وظیفه ماست. ما نمی‌توانیم آرام بنشینیم، دل‌مان را خوش کنیم که ما چند تا مسئله گفتیم. با این، تکلیف برداشته نمی‌شود.^۱

برای پیروزی در مسابقه حرکت به سوی رحمت و بهشت پروردگار، وجود پیامبران و رهبران الهی لازم است، آیه ۲۵ سوره حدید، هدف اصلی بعثت انبیاء را تبیین دین با دلایل روشن عقلی

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۳ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6772>

دانسته است و انبیاء و فرامین آنها را ملاک سنجش برای نیکی‌ها و ارزش‌ها قرار داده و یکی از اهداف اساسی و کاربردی اعزام آنان را اجرای «قسط و عدل» به دست مردم معرفی کرده است، امامت که ادامه رسالت تبلیغی انبیاء الهی است با اجرای قسط و عدل در تمام حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی به هدف خود دست پیدا می‌کند، هدف غایی و مهم این است که مردم در جامعه عصر غیبت چنان ساخته شوند و در سطحی از ایمان، آگاهی، اخلاق و تقوا قرار گیرند که خود با اطاعت از قانون و رهبری الهی عالمان دینی، مجری عدالت واقعی گردند. در جریان حرکت مردم ایران در مبارزه با رژیم پهلوی روحانیت نقش چشمگیری در شکل‌گیری و بسیج عمومی و پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمود، انقلاب اسلامی افزون بر آن که خیزشی الهام گرفته از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی بود، رهبری آن نیز بر دوش مرجعیت دینی قرار داشت و از این جهت باید آن را انقلابی بر پایه اخلاق و معنویت خواند (آقانوری، ۱۳۹۱ ش: ۲۸)، با این نقش عرصه‌های جدید و مسئولیت‌های اجتماعی فصل جدیدی از مسئولیت‌پذیری روحانیت را رقم زد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی، به عنوان مجتهدی که در زمینه تبیین و استنباط معارف دینی فعالیت می‌کند، ضمن پذیرش این حقیقت که هر عصر بشریت نیازها و مسائل مخصوص به خود را دارد، معتقدند که اصول معارف دینی مطلق و غیرقابل تغییر هستند ایشان بر این باور است که معارف دینی در طول تاریخ به ما روش‌ها و اصول کلی ارائه کرده‌اند که با تغییرات زمانی قابل تطبیق هستند. بنابراین، برای تبیین و استنباط معارف دین در هر عصر و متناسب با نیازها و مسائل بشر، از معارف و منابع دینی می‌توان استفاده نمود. درباره نحوه رابطه حوزه‌های علمیه با جامعه و حکومت و به خصوص حکومت دینی و استقلال حوزه از حکومت، نظرها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان از نگاهی کلان آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرد: الف) استقلال انزواجویانه؛ ب) استقلال واگرایانه؛ ج) استقلال تعامل‌گرایانه و هوشمندانه (اعرافی، ۱۳۹۵ ش: ۲۷۶) ما در این قسمت به قسم سوم می‌پردازیم.

در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، و در رأس آنها علماء، همواره خواستگاه استقلال طلبی عزت‌مندانه جریان شیعی بوده و قانون حرکت‌های هدایت‌گرایانه و جریان‌ساز بوده‌اند. حوزه‌های علمیه شیعی استقلال همه‌جانبه خود را از لحاظ اقتصادی و سیاسی از دستگاه‌های حاکمیتی همواره حفظ نموده‌اند و این امر باعث شده که بدون هیچ ترس و تردیدی در موضع‌گیری‌های خود در مقابل دستگاه حاکم فعال عمل نمایند؛ در صورتی که وابستگی مالی

و سیاسی حوزه‌های علمیه اهل تسنن موجب وابستگی و اتکای آنان به دولت‌ها شده است و لذا در حوزه جغرافیایی اهل سنت کمترین تحرک و تحولات اجتماعی را می‌بینیم و به نوعی به حکومت‌های ضد دین تن در داده و همکاری نموده و یا مخالفتی به صورت گسترده ننموده‌اند.

استقلال روحانیت از دولت (حکومت) نه به معنای بیگانگی و قطع ارتباط با دولت، بلکه به معنای فارغ بودن از آمریت سیاسی در ترتیبات درونی خویش است (قاضی، ۱۳۶۸ ش: ۱۵). در جایی که آرمان حوزه‌های علمیه شیعی یعنی تشکیل حکومت اسلامی و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی در قالب انقلاب و جمهوری اسلامی تحقق پیدا می‌کند حوزه‌ها از واگرایی خارج شده و نقش همگرایی به خود می‌گیرند، در این شرایط استقلال حوزه‌ها به معنای کناره‌گیری از برنامه‌های نظام نیست. رهبر معظم انقلاب، پشتیبانی نظام از حوزه‌ها را فقط منحصر به مسائل مالی محدود نمی‌داند و این‌گونه بیان می‌کند:

امروز به فضل الهی و با حمایت نظام، مهم‌ترین و عمومی‌ترین تربیون‌های ملی در اختیار علما و مراجع معظم است و افزایش پشتیبانی‌های مختلف از حوزه، وظیفه همه دولت‌هاست (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹).^۱

معظم له با تصریح به لزوم تفکیک مسئله "استقلال" با "ارتباط دو سویه نظام و حوزه‌ها" می‌گوید:

نظام اسلامی و در دل آن حوزه‌های علمیه، دو جریان عظیمی هستند که از زوایا و ابعاد فراوان به هم مرتبط و متصلند و در واقع سرنوشت آنها یکی است (همان).

آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره استقلال همه‌جانبه حوزه‌ها با عنایت به روش و سیره مستمر سلف صالح حوزه‌های موفق علمیه می‌گوید:

آن چیزی که حقیر همیشه بر آن تأکید دارم لزوم حفظ استقلال حوزه‌های علمیه است. امتیاز بزرگ حوزه‌های شیعی همین استقلال در همه جهات است که مایه عزت شیعه و علمای آن شده است. هرچه استقلال حوزه‌های علمیه برقرارتر باشد، توفیقات بیشتری نصیب حوزه‌های بزرگ علمی می‌شود (خبرگزاری حوزه، شامگاه یکشنبه ۲۱

1 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10357>

جمادی الأولى ۱۴۴۳ «۵ دی ۱۴۰۰» دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه^۱.

آیت الله نوری همدانی یکی دیگر از مراجع تقلید است که نسبت به ورود حوزه‌ها به جناح بازی‌های سیاسی به صورت جدی هشدار می‌دهد، ایشان گرچه حفظ استقلال حوزه‌های علمیه از دولت‌ها را مسئله‌ای تاریخی و لازم برمی‌شمرد اما در عین حال در عصر حاضر تذکر می‌دهد که نباید بین استقلال حوزه و کناره‌گیری از مسائل نظام اسلامی خلط کرد:

استقلال در حوزه‌های علمیه بدین معنا نیست که از نظام کناره‌گیری کنیم، مقصود این است که حوزه نباید دولتی باشد، اما حراست و پاسداری از معیارها و شاخص‌های نظام و انقلاب وظیفه ما بوده و هست. مردم به حوزه‌های علمیه توجه کردند و انقلاب را به وجود آوردند و امروز حوزه باید از این اصل پاسداری کند و انقلابی بماند.^۲

آنچه گفته شد استقلال حوزه‌ها و وظیفه متقابل نظام اسلامی در امور کلان مانند: معیشت و مسکن طلاب از بیت‌المال و حفظ سنت اداره حوزه‌ها از طریق وجوهات مردم دو اصل مهم هستند که در ساختار نظام اسلامی مهم هستند.

استقلال حوزه‌ها به معنای آزادی و استقلال از مداخلات خارجی و غیرقانونی در امور داخلی آنها است. در اسلام، حوزه‌ها به عنوان مراکز آموزشی و تربیتی برای طلاب نقش مهمی دارند و هدف از ایجاد استقلال برای آنها، تضمین استقلال از تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که می‌تواند توجه طلاب را از علم و تربیت منحرف کند.

همچنین، وظیفه متقابل نظام اسلامی در امور کلان مانند معیشت و مسکن طلاب از بیت‌المال به این معناست که نظام اسلامی مسئولیت پشتیبانی از معیشت و مسکن طلاب را بر عهده دارد. در اسلام، طلاب به عنوان گروهی که به تحصیل و ادامه مطالعات دینی می‌پردازند، به نیازهای اساسی زندگی نیاز دارند و باید از سوی نظام اسلامی حمایت شوند.

از طرفی، حفظ سنت اداره حوزه‌ها از طریق وجوهات مردم نشان از اعتماد اجتماعی به حوزه‌ها و اداره آنهاست. در جامعه اسلامی، حوزه‌ها به عنوان مراکزی که طلاب در آنجا تحصیل می‌کنند، مورد احترام و ارزش قرار دارند و اقشار مختلف جامعه می‌توانند با اعطای وجوهات مالی به حوزه‌ها و نیز حمایت از آنها، به حفظ سنت اداره حوزه‌ها کمک کنند.

به طور خلاصه، استقلال حوزه‌ها و وظیفه متقابل نظام اسلامی در امور کلان مانند: معیشت

1. <https://www.khabaronline.ir/news/1586810>

2. <https://rasanews.ir/fa/news/640277>

و مسکن طلاب از بیت المال و... و حفظ سنت اداره حوزه‌ها از طریق وجوهات مردم، به منظور تضمین استقلال حوزه‌ها از مداخلات غیرقانونی و تأمین نیازهای معیشتی و مسکنی طلاب به منظور حفظ سنت اداره حوزه‌ها توسط جامعه صورت می‌گیرد.

اهتمام به تولید نظریه‌های اسلامی بر جامعه به دست‌هایی از تحقیق و پژوهش‌های علمی در زمینه‌های مختلف، به ویژه در حوزه‌های فلسفه، قانون، اقتصاد، اجتماعی، سیاسی و تعلیم و تربیت تأکید دارد. باید حوزه علمیه به قله‌های بلند پژوهش، تولید اندیشه و نظریه بازتولید معارف الهی به زبان‌های گوناگون و حضور در عرصه‌های علمی و معرفتی و گفتمان‌های فکری جهانی دست یابد (اعرافی، ۱۳۹۵ ش: ۶۲۳). این نظریه‌ها براساس اصول اسلامی و دینی بنا نهاده شده و به ایجاد دیدگاه‌های جدید و به روزتر در برابر چالش‌های معاصر کمک می‌کند. با وجود نوآوری و تحول‌خواهی در علوم حوزوی در ادوار مختلف، آنچه تراز علوم حوزوی را متناسب با حوزه منتظر و تراز متمایز می‌کند، نوآوری، تحول و پاسخگویی نسبت به نیازهای روزآمد جامعه اسلامی در اداره مطلوب ساحت‌های مختلف و شئون مختلف زندگی است (ر.ک: محمود فلاح، ۱۳۹۶ ش: ۹۵). این نظریه‌ها جامعه اسلامی را به ارزش‌های دینی روشن و قوی‌تری متصل می‌کنند و برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی جهت توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی را براساس اصول دینی وارد می‌کنند. این تلاش برای تولید نظریه‌های اسلامی می‌تواند به ترویج ارزش‌های مورد قبول جامعه، ایجاد توازن بین اصول دینی و نیازهای معاصر و شکل‌دهنده سیاست‌هایی هماهنگ با ارزش‌های دینی سودمند باشد. این نظریه‌ها می‌توانند در جهت ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی پویا، اصلاح سیاست‌ها و قوانین، توسعه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد تعادل بین فرد و جامعه بسیار مؤثر و تأثیرگذار باشند. به طور کلی، اهتمام به تولید نظریه‌های اسلامی می‌تواند در ایجاد تحولات مؤثر و پایدار در جامعه منتج به زندگی بهتر و ارزشمندتری برای اعضای جامعه باشد.

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان می‌گوید:

تولید و تبیین و تدوین فکر، کار حوزه‌های علمیه است و حوزه‌های علمیه باید در این زمینه وارد میدان شوند (بیانات، ۱۳۸۰/۰۶/۱۵).^۱

حوزه‌های علمیه، عموماً به عنوان مراکز تحصیلی و تربیتی تلقی می‌شوند که در آن مطالعات علمی و دینی انجام می‌دهند. این حوزه‌ها عمدتاً توسط علما و مراجع تقلید مذهبی

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3082>

رهبری و مدیریت می‌شوند. تولید نظریات علمی در حوزه‌های علمیه توسط حوزویان و علما انجام می‌شود و این نظریات به عنوان راهنمایی برای جامعه ارائه می‌شوند. تأثیر این نظریات علمی در جامعه به چندین شکل می‌باشد:

تأثیر در قوانین و سیاست‌ها

نظریات علمی حوزه‌های علمیه نقش مؤثری در تشکیل و اصلاح قوانین و سیاست‌ها دارند. در زیر تأثیرات اصلی این نظریات بر قوانین و سیاست‌ها را بررسی می‌کنیم:

الف) تأمین اساس علمی: نظریات علمی حوزه‌های علمیه، به عنوان یکی از منابع علمی مؤثر، به دولت‌ها و قانون‌گذاران کمک می‌کند تا براساس دانش علمی بهترین تصمیمات را بگیرند. این نظریات بر پایه اصول و قوانین علمی سازماندهی شده‌اند و می‌توانند به عنوان راهنما بهترین راه حل‌ها و تصمیمات ارائه دهند.

ب) پیشگیری و رفع مشکلات: تحقیقات علمی در حوزه‌های علمیه می‌تواند به شناخت و پیش‌بینی مشکلات مربوط به جوامع و سیستم‌های قانونی کمک کند. با تأمین اطلاعات و ابزارهای لازم، این نظریات می‌توانند به دولت‌ها و سازمان‌ها در اجرای قوانین و سیاست‌ها کمک کنند و تحلیل مسائل پیچیده را آسان‌تر کنند.

ج) تغییر سیاست‌ها: نظریات علمی حوزه‌های علمیه به جوامع کمک می‌کنند تا مشکلات موجود را شناسایی و برخی از سیاست‌های خود را تغییر دهند. وقتی که نظریه‌ها و داده‌های علمی نشان می‌دهند که سیاست‌های منتخب نتایج خوبی ندارند یا به طور مستقل چیزی می‌توانند تغییر بدهند، دولت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند سیاست‌های جدید را با توجه به این نظریات و داده‌ها اجرا کنند.

د) توسعه قوانین و قوانین جدید: نظریات علمی حوزه‌های علمیه می‌توانند ایده‌های نوبرانه و جدیدی را برای قوانین و قوانین جدید در سیستم‌های حقوقی و قضایی به وجود آورند. با بررسی دقیق و ارزیابی نظریات علمی، می‌توان قوانین را بهبود بخشید و اصول جدید را ایجاد کرد.

هـ) تشکیل سیاست‌های عمومی: نظریات علمی حوزه‌های علمیه به دولت‌ها و قانون‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌های عمومی را تشکیل دهند. این نظریات می‌توانند به تعیین اولویت‌ها و تصمیمات متقابل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمک کنند و اثربخشی و پایداری سیاست‌ها را افزایش دهند.

تأثیر در آموزش و تربیت

حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز آموزشی برای تعلیم و تربیت علوم دینی برای نظام آموزشی و خط مشی‌های تربیتی عموم جامعه نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا می‌کند.

تأثیر در فرهنگ و ارزش‌ها و ارتباطات اجتماعی

حوزه‌های علمی نقش مهمی در شکل‌دهی به فرهنگ و ارزش‌های جامعه و ارتباطات اجتماعی دارند. نظریات علمی این حوزه‌ها می‌تواند در تغییر و اصلاح ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیر بگذارد و بر جای ماندن چشم‌اندازی مذهبی در جامعه کمک کند.

به طور کلی، حوزه‌های علمیه با تولید نظریات علمی تأثیرات گسترده‌ای در جوامع ایجاد می‌کنند. این تأثیرات می‌تواند در قوانین و سیاست‌ها، آموزش و تربیت، فرهنگ و ارزش‌ها، علم و پژوهش و ارتباطات اجتماعی مشهود باشد.

توانمندسازی دانش‌آموختگان در عرصه دانشی و مهارت‌ها و وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه، یکی از نیازهای مهم و ضروری است. با توجه به تغییرات سریع در جهان امروز و نیازهای متنوع جامعه، دانش‌آموختگان در حوزه‌های علمیه نیاز به توانمندسازی و آموزش مداوم دارند تا بتوانند با تحولات جدید و رشد فکری جامعه همراه شوند.

توانمندسازی دانش‌آموختگان در عرصه دانشی به معنای ارائه آموزش‌های مداوم و به روز در زمینه‌هایی که در حوزه‌های علمیه فعالیت می‌کنند است. این آموزش‌ها می‌تواند شامل درس‌های تخصصی مرتبط با فقه، همچون مسائل حقوقی، اصول فقه، اصول کلام و اخلاق و همچنین مباحثی مرتبط با سیاست، اقتصاد و جهانی شدن باشد.

علاوه بر آموزش‌های دانشی، توانمندسازی دانش‌آموختگان در عرصه مهارت‌ها نیز بسیار مهم است. این مهارت‌ها می‌توانند شامل مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های رهبری، مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری، مهارت‌های تحلیل و نقد متون، و مهارت‌های مدیریت زمان و پروژه باشند. توسعه این مهارت‌ها به دانش‌آموختگان کمک می‌کند تا بتوانند به صورت مؤثرتر در جامعه فعالیت کنند و نقش‌های مختلفی را در حوزه‌های علمیه و اجتماعی ایفا کنند.

علاوه بر آموزش دانشی و مهارت‌ها، توانمندسازی دانش‌آموختگان در عرصه وظایف حوزه‌های علمیه نیز بسیار مهم است. وظایف حوزه‌های علمیه شامل ارزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی است که باید در جامعه ترویج و تعمیق یابد. توانمندسازی دانش‌آموختگان در این زمینه به آنها کمک می‌کند تا بتوانند بهترین نمونه‌ها در جامعه باشند و دارایی‌های معنوی و اخلاقی قدرتمندی باشند.

به طور خلاصه، توانمندسازی دانش‌آموختگان در عرصه دانشی و مهارت‌ها و وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه، یکی از اصلی‌ترین وظایف شورای عالی حوزه‌های علمیه و دستگاه‌های ذی‌ربط است. این توانمندسازی دانش‌آموختگان به جامعه کمک می‌کند تا با تغییرات جهانی و نیازهای اجتماعی هماهنگ شده و توسعه پایدار را ترویج کند.

در این زمینه مسئول مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی حوزه‌های علمیه شعار مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی حوزه را "هر طلبه یک مهارت و یک رسالت طلبگی" عنوان نموده و تصریح می‌کند:

با تعریف ۳۵ پایگاه هدایت تحصیلی برای طلاب سطوح عالی حوزه سعی کرده‌ایم تا بخش عمده‌ای از مهارت‌های کاربردی را آموزش دهیم؛ برقراری ارتباط با روحانیان شاغل در آموزش و پرورش و استفاده از مجلس خبرگان رهبری وسیله‌ای برای برگزاری‌های دوره‌هایی در تعلیم و تعلم و بصیرت‌افزایی بوده است (کشوری، ۱۳۹۷/۰۹/۱۲).^۱

سرفصل‌هایی که ممکن است در فرایند توانمندسازی در نظر گرفته شوند، شامل موارد زیر می‌شود:

- (الف) بررسی دقیق و شناخت کامل موضوعات دینی و فقهی مرتبط با حوزه‌های علمیه؛
 - (ب) تسلط بر تفسیر قرآن و هدایت قرآنی در زمینه‌های متنوعی از جمله فقه و اخلاق؛
 - (ج) تدریس و تبلیغ اصول و مفاهیم دینی به منظور ارتقاء دانش و مهارت در بخش عمومی جامعه؛
 - (د) آشنایی با روش‌های مطالعه، تحلیل و تفسیر متون دینی و فلسفه دین؛
 - (ذ) توانمندسازی در زمینه روان‌شناسی و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی؛
 - (ر) آشنایی با سیستم‌ها و فنون مدیریت تربیتی و نگهداشت و ارتقاء دانش‌آموزان؛
 - (ز) آموزش مهارت‌های مدیریت زمان و برنامه‌ریزی برای حوزویان؛
 - (س) تقویت مهارت‌های رایانه‌ای و فناوری اطلاعات در حوزه دینی؛
 - (ش) ترویج و به کارگیری مطالعات پژوهشی در حوزه‌های دینی و اسلامی.
- این سرفصل‌ها می‌توانند به عنوان مباحث اصلی در نظر گرفته شوند، اما برنامه‌های توانمندسازی ممکن است براساس نیازهای خاص هر حوزه‌ای و با توجه به عوامل محیطی

1 . <https://rasanews.ir/fa/news/587400>

متفاوتی که در هر شهر و کشور وجود دارد، تغییر کنند. بنابراین، در تدوین برنامه‌های توانمندسازی در زمینه علمی و مهارتی، تحلیل نیازهای محلی و مشترک جامعه و تناسب آن با محیط حوزه علمیه بسیار حائز اهمیت است. همچنین، ارتقاء سطح علمی و عملی مدرسین در حوزه علمیه نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توانمندسازی دانش‌آموختگان در نظر گرفته می‌شود.

وظایف در عرصه نظام اسلامی (نظام‌سازی)

حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی از نقش مهمی در جامعه برخوردارند. علوم حوزوی و اسلامی نیز می‌بایست در قالب پاسخ به نظام اسلامی رویکردی منسجم، منظم، هدفمند، ساختارمند و نظام‌واره داشته باشد و بر همین اساس در قبال نظام‌های تربیتی و اخلاقی و سیاسی و اقتصادی و حقوقی معاصر نمی‌توان به بیان احکام و جزئیات دیدگاه اسلام، فارغ از نظام معنایی حاکم و ارتباط هر بخش نسبت به بخش‌های دیگر، قناعت کرد؛ بلکه این امر مستدعی نگرش کلان به مجموعه دین و احکام است (حیثیت فردی، اجتماعی و حکومتی) و در ساحت‌هایی مانند اخلاق، اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق و... پاسخ مناسب بدهد. تحقق نظام اسلامی و ضرورت ارائه نظام معرفتی حکومت در قالب نظام‌واره‌های مختلفی چون نظام امنیتی، نظام نظارتی، نظام حقوقی، نظام فرهنگی و... مستدعی رویکرد نظام‌واره در ارائه علوم حوزوی است (ایزدهی، ۱۳۹۶: ۲۰). این حوزه‌ها مراکز آموزش و پژوهش در حوزه علوم اسلامی، فقه، عرفان، علم کلام، تفسیر قرآن و حدیث، فلسفه اسلامی و منابع دینی هستند.

نظام‌سازی - که گفتیم امام بزرگوار ما براساس مبانی فقهی، نظام‌سازی کرد - یک امر دفعی و یکباره نیست؛ معنایش این نیست که ما یک نظامی را براساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط، و این تمام شد؛ نه، این جوری نیست. نظام‌سازی یک امر جاری است؛ روزه روز بایستی تکمیل شود، تتمیم شود. ممکن است یک جایی اشتباه کرده باشیم اما مهم این است که ما براساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم، خودمان را اصلاح کنیم؛ این جزو متمم نظام‌سازی است. نه این‌که گذشته را خراب کنیم. این‌که ما می‌گوئیم نظام‌سازی جریان دارد، معنایش این نیست که هرچه را ساختیم و بنا کردیم، خراب کنیم؛ قانون اساسی مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و دولتی مان را ضایع کنیم؛ نه، آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم. این کار، یک کار لازمی

است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷).^۱

بر این اساس وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر عبارتند از:

الف) آموزش علوم اسلامی: حوزه‌های علمیه وظیفه آموزش علوم اسلامی به دانشجویان و علاقمندان به مباحث دینی را دارند. در این حوزه‌ها، دانشجویان به طور جدی به مطالعه و تحقیق درباره مباحث مختلف دینی مانند فقه، عقاید، اخلاق و تفسیر قرآن می‌پردازند و در نتیجه افرادی مجهز به دانش عمیق در این حوزه‌ها تربیت می‌شوند.

ب) ترویج مفاهیم اخلاقی و ارزش‌های دینی: حوزه‌های علمیه برای دستیابی به فرهنگی پیشرو، پویا و غنی مبتنی بر ارزش‌های دینی، تاریخی و ملی و نیز ارزش‌ها و آرمان‌های زیربنایی جامعه نقش فعالی را ایفا می‌کنند و وظیفه دارند تا ارزش‌ها و معیارهای دینی را در جامعه ترویج کنند. این حوزه‌ها سعی می‌کنند مفاهیم اسلامی را به طور متناسب با نیازهای جامعه تبیین کنند و افراد را به سوی یک زندگی اخلاقی در جامعه هدایت کنند و ساز و کارهایی برای بهبود اخلاق جامعه ارائه دهند. حوزه‌های علمیه به عهده‌داری جایگاه تربیت دینی رسالت خود را به انجام می‌رساند:

تربیت دینی عبارت است از اشاره و برطرف کردن موانع ایجاد شده در عقل و فطرت خدادادی مرتبی و سپس نهادینه کردن ارزش‌های عقلی و شرعی در وجود او؛ اشاره به معنی غبارزدایی است که در آن به وسیله مربی، آنچه خداوند در وجود مرتبی از گنجینه‌های عقلی و معارف فطری نهاده است، حجاب‌زدایی می‌شود (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹ ش: ۱۲۹).

ج) ارائه فتوا و پاسخ به سؤالات شرعی: حوزه‌های علمیه وظیفه دارند تا سؤالات مختلف شرعی را پاسخ دهند و فتوا ارائه کنند. آنها به طور رسمی تحصیلات دینی خود را در اختیار مردم قرار می‌دهند و پاسخ سؤالات و مشکلات شرعی را در حوزه‌های خود بررسی و تبیین می‌کنند چون افراد در مسائل مختلف دینی و شرعی به دنبال پاسخ‌های صحیح و اقناع‌کننده هستند، در این موارد حوزه‌های علمیه با توجه به علم و دانش خود، پاسخ‌های مناسب را ارائه می‌دهند.

د) پژوهش و تحقیقات دینی: حوزه‌های علمیه نقش مهمی در پژوهش‌ها و تحقیقات دینی دارند. این حوزه‌ها محیطی را برای محققان و پژوهشگران دینی فراهم می‌کنند تا بتوانند به

1 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17226>

موضوعات دینی مختلف پرداخته و پژوهش‌های علمی در این حوزه‌ها را انجام دهند.
ذ) حفظ و نشر آثار دانشمندان دینی: حوزه‌های علمیه مسئولیت حفظ و نشر آثار دانشمندان دینی را دارند. در این حوزه‌ها کتابخانه‌ها و مراکزی برای نگهداری و انتشار کتب و آثار دینی وجود دارد که این آثار به دانشمندان و عموم مردم در دسترس است.

از طریق انجام وظایف فوق، حوزه‌های علمیه تلاش می‌کنند تا نقش مهمی در جامعه اسلامی ایفا کنند و به انتشار دانش و آگاهی دینی در جامعه کمک کنند. کارکردهای حوزه علمیه در جامعه منتظر به عنوان جزء اصلی از نظام اسلامی، به منظور سازماندهی فرهنگ و مردم‌شناسی اسلامی و آموزش دینی، عالمان دینی و اساتید حوزه علمیه وظایف متعددی را دارند. این‌ها فقط برخی از وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه هستند و به طور کلی عملکرد آنها بستگی به شرایط و نیازهای جامعه واقعی برمی‌گردد.

هدایت‌گری به معنای هدایت و رهنمود دادن است و اشاره به نقشی دارد که افراد دینی و روحانی می‌توانند در هدایت و راهنمایی مردم در مسائل مختلف دینی و زندگی روزمره داشته باشند. هدایت‌گری و مصونیت بخشی دینی به نظام، به معنای استفاده از اصول و ارزش‌های دینی در رهبری و مدیریت نظام اجتماعی است. با توجه به این که دین در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، نقش مهمی در ساختارهای اجتماعی و دولتی دارد، می‌توان از اصول و ارزش‌های دینی برای هدایت و سازماندهی جوامع بهره‌برداری کرد.

یکی از نقش‌های اصلی دین در هدایت‌گری و مصونیت بخشی به نظام، ارائه یک "سرمایه اخلاقی" به افراد است. دین معمولاً اصول و قوانین اخلاقی را تدریس می‌کند که به جامعه ارزشمندی می‌بخشد و می‌تواند در انجام وظایف و نقش‌های اجتماعی بهتری به افراد کمک کند. مثلاً احترام به دیگران، عدالت، درک و تقویت رابطه با خدا و... از این اصول اخلاقی است که با توجه به عوامل هدایت‌گری و مصونیت بخشی، به نظام و دولت کمک می‌کند.

به علاوه، دین اسلام معمولاً به تعالیم اجتماعی نیز توجه ویژه دارد و به افراد راهنمایی می‌کند که چگونه در جامعه بهتر کنش و واکنش نشان دهند. این تعالیم شامل مسئولیت-پذیری، همکاری، سخاوت و رفتار درست در برابر مشکلات و نیازهای دیگران است. از این رو، اصول اجتماعی دینی می‌تواند به هدایت‌گری و مصونیت بخشی به نظام و دفاع از آن کمک کند.

در ضمن، دین می‌تواند تأثیر مثبتی بر "سلامت روحی و روانی" افراد داشته باشد و به آنها در مواجهه با فشارها و استرس‌های زندگی کمک کند. اعمال مذهبی و عبادات نظام منظمی را در

زندگی افراد ایجاد می‌کند و آنان را به ثبات روانی و ارتباط معنوی با افراد دیگر ترغیب می‌کند. این بدان معناست که اصول و ارزش‌های دینی می‌توانند بر هدایتگری و مصونیت بخشی به نظام و دفاع از آن، تأثیری مثبت داشته باشند.

با این حال، در استفاده از دین برای هدایتگری و مصونیت بخشی به نظام، باید به احترام به حقوق انسانی و تفکر منطقی نیز توجه کرد. باید معتقد بود که هر فرد حق دارد دین خود را و براساس اعتقادات شخصی خود زندگی کند و هیچ‌کس نباید به دیگران اجباری برای پیروی از دین خود اعمال کند. همچنین، استفاده از دین باید با عدم تبعیض مذهبی و اجتماعی همراه باشد و همه افراد برابر در مواجهه با نظام باشند.

امروزه نظام آموزشی و تربیتی حوزه علمیه، ضمن تأکید بر کتاب و سنت و منابع اصلی معرفت دینی، به یک تفکر عقلانی و منطقی و فلسفی قوی برای دفاع از اسلام توجه می‌کند (اعرافی، ۱۳۹۵: ۵۱).

به طور کلی، هدایتگری و مصونیت بخشی دینی به نظام و دفاع از آن، برای ارتقای ارزش‌ها و اصول اخلاقی، اجتماعی و روحی در جامعه، می‌تواند مفید باشد. با این حال، به دلیل ماهیت دینی و ذات اعتقادات شخصی، باید در استفاده از دین به حقوق انسانی احترام گذاشته شود و تبعیض‌های اجتماعی و مذهبی لحاظ شود.

حوزه‌های علمیه نقش مهمی در هدایتگری و مصونیت بخشی دینی به نظام و دفاع از آن دارند. این حوزه‌ها به عنوان مراکز آموزش دینی و فقهی در جامعه، افراد را با اصول و قوانین دینی آشنا می‌کنند و آنها را در مسیر صحیح قرار می‌دهند.

نقش اصلی حوزه‌های علمیه که از انبیای الهی گرفته شده در هدایتگری است. این حوزه‌ها با ارائه آموزش‌های دینی و فقهی، افراد را در فهم صحیح اسلام و دین کمک می‌کنند. این نوع آموزش‌ها شامل مباحث مختلفی مثل احکام دینی، تفسیر قرآن و تبیین مسائل سیاسی و اجتماعی است. با این آموزش‌ها، افراد می‌توانند اصول و ارزش‌های دینی را در زندگی روزمره خود به کار ببرند و از طریق آنها به نظم و آرامش در جامعه کمک کنند.

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌دانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ۴۳۲).

حوزه‌های علمیه همچنین نقش بزرگی در مصونیت بخشی دینی به نظام دارند. با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اصول دینی، این حوزه‌ها به افراد کمک می‌کنند تا از انحرافات اخلاقی و رفتارهای غیرقانونی پرهیز کنند.

علاوه بر این، حوزه‌های علمیه نقش مهمی در دفاع از آرمان‌های دینی و نظام دارند. با آموزش و ارتقاء آگاهی‌های دینی، این حوزه‌ها به افراد کمک می‌کنند تا در برابر تهدیدات خارجی و داخلی به دین و نظام خود مقاومت کنند. این آموزش می‌تواند افراد را به دانشمندان و فقها تبدیل کند که قادر به دفاع از مبانی دینی و قانونی جامعه خود هستند.

حوزه‌های علمیه دنبال همان احکامی بودند که رایج بین خودشان هست و محل ابتلای مردم است؛ مسئله دولتی در پیش نبود که راجع به این هم فکری بکنند. تازه این کار واقع شده است و حوزه‌ها هم دنبالش هستند که افراد تربیت کنند، افراد پیدا کنند و من هم سفارش زیاد کرده‌ام (همان: ج ۱۷، ۲۸۳).

حوزه‌های علمیه و تربیت نیروی مورد نیاز برای نظام اسلامی در جامعه منتظر شامل موارد زیر می‌شود:

علوم دینی: نیروهای متخصص در علوم دینی و قرآنی که مسئولیت‌های بهبود آموزش و ترویج اصول و ارزش‌های دینی را دارند. این نیروها باید دانش و معرفت آموزش دینی را داشته باشند تا بتوانند به مسئولین و دستداران نظام اسلامی آموزش دهند.

قوانین و احکام اسلامی: نیروهای آموخته در حوزه قوانین و احکام اسلامی که بتوانند قوانین مرتبط با اجتماع و سیاست‌های نظام اسلامی را توضیح دهند و در برابر پیروان این نظام با حق و حقوق نظام اسلامی برخورد کنند.

علوم اجتماعی و روان‌شناسی: نیروهای متخصص در علوم اجتماعی و روان‌شناسی که بتوانند مسائل اجتماعی و روان‌شناختی را با نظام اسلامی متناسب کنند و راهکارهایی را برای حفظ و توسعه نظام اسلامی در جامعه ارائه دهند. تلاش‌های شخصیت‌هایی مانند امام خمینی رحمه‌الله، علامه طباطبایی، شهید صدر و شهید مطهری در سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی برمی‌گردد و پرداختن به علوم انسانی و اجتماعی تا حدی جنبه آکادمیک پیدا می‌کند. در قم به صورت گسترده به حوزه علوم انسانی و اجتماعی با نگاه اسلامی پرداخته شده و امروز رشته‌های متعدد در اقتصاد، مدیریت، تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی با نگاه اسلامی پایه‌ریزی شده است (اعرافی، ۱۳۹۵: ۵۱).

اقتصاد اسلامی: اقتصاد اسلامی به معنای عدالت اقتصادی، توزیع منابع و ارزش‌های

اسلامی است، اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید، بررسی و برنامه‌ریزی صحیح و بهره‌برداری از منابع را به منظور توسعه پایدار و بهبود شرایط اقتصادی جامعه در راستای اهداف نظام اسلامی لازم است. بررسی مفاهیم و اصول اقتصاد اسلامی و کشف راهکارهای علمی برای کنترل عدالت اقتصادی و توسعه اقتصادی جامعه نیازمند آگاهی در حوزه علوم اقتصادی است. نیروهای مجرب در حوزه اقتصاد اسلامی که بتوانند با توجه به اصول و مفاهیم اسلامی، طرح‌ها و راهکارهای نظام اقتصادی اسلامی را ارائه دهند و بررسی کنند.

مقام معظم رهبری درباره هدف اقتصاد اسلامی می‌گوید:

مسئله در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن مسلک را طی می‌کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و برنامه‌ریزان کشور، با این سیاست کلی و بر این اساس باید برنامه‌ریزی کنند (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳/۵/۱۳۷۳).^۱

حقوق اسلامی: نیروهای آموخته در حوزه حقوق اسلامی که قادر به بررسی و توضیح آئین‌نامه‌ها و قوانین اسلامی در جامعه منتظر باشند و در صورت نیاز تصمیمات قضایی را پیاده‌سازی کنند.

تربیت این نیروها و تأمین نیروی کافی در این حوزه‌ها از اهداف و وظایف نظام اسلامی است و جامعه منتظر مسئولیت دارد که نیروهای کافی در این حوزه‌ها را آموزش داده و تربیت کند. حوزه‌های علمیه در جامعه اسلامی نقش مهمی در ترویج و حفظ اصول و مبانی دینی و فقهی دارند. علمای حوزه‌های علمیه، در طول تحصیل تمرکز خود را بر روی موضوعات مختلف دینی و شرعی قرار می‌دهند و به تدریس و تعلیم علوم اسلامی و فقه و عرفان می‌پردازند. به عنوان سامانه حکومتی اسلامی برای تضمین استقلال، ثبات و امنیت کشورهای اسلامی بسیار حائز اهمیت است.

در حوزه‌های علمیه، مفهوم ولایت فقیه به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اسلام بررسی و گسترش می‌یابد. ولایت فقیه در واقع به معنای تسلط فقها و امامت بر امور مربوط به جامعه

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2678>

اسلامی است. این مفهوم براساس اعتقاد به امامت و رهبری در اسلام شکل گرفته است و به وجود آمده است تا جامعه اسلامی را براساس اصول دینی و شرعی استوار نگه داشته شود. برای تبیین و استدلال درباره حوزه‌های علمیه و تقویت تبعیت از ولایت فقیه در جامعه، می‌توان از استناد به منابع دینی معتبری مانند قرآن و سنت پیامبر اسلام ﷺ استفاده کرد. مفاهیمی مانند مرجعیت فقیه و نقش و اهمیت ایشان در حفظ و تداوم معارف اسلامی و شرعی می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.

علاوه بر این، می‌توان از تجربیات تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی معاصر به عنوان سرفصل‌هایی در ارائه دلایل برای تقویت تبعیت از ولایت فقیه استفاده کرد. نمونه‌هایی از اصل ولایت فقیه در کشورها و جوامع اسلامی مانند ایران و نقش و تأثیر آن در حفظ و استمرار تمایل مردم به تبعیت از مراجع تقلید می‌تواند به عنوان مطالعات موردی به کار رود. نخستین کسی که از حکومت اسلامی برای توضیح یک قالب حکومتی تعریف شده، استفاده کرد و نام آن را ولایت مطلقه فقیه نامید، امام خمینی بود (گروه نویسندگان، ۱۳۸۹؛ ش: ۱۹۲).^۱ به عنوان منابع معتبر می‌توان از آثار و کتب معارف اسلامی و قوانین مربوط به حوزه‌های علمیه و ولایت فقیه بهره برد. از جمله کتب معتبری که در این حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان به آثار مراجع تقلید و مجتهدین بزرگ از قبیل امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری اشاره کرد.

به طور کلی، تبیین حوزه‌های علمیه و تقویت تبعیت از ولایت فقیه در جامعه با توجه به منابع دینی، مطالعات تاریخی و ارائه دلایل استدلالی می‌تواند به دور از هرگونه تعصب و هرج و مرجی، انگیزه مناسبی برای عمق و بررسی علمی و عقلانی این مفاهیم و مبانی دینی باشد. حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز آموزش و پرورش علمی و دینی، نقشی بسیار مهم در شکل دهی به عقاید و اعتقادات جامعه و تقویت علاقه و تعهد آن‌ها به اصول و مبانی ولایت فقیه دارند. در ادای این نقش، حوزه‌های علمیه در زمینه‌های زیر می‌توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند:

آموزش و پرورش: حوزه‌های علمیه مکانی برای آموزش و پرورش علمی و دینی دانشجویان و علاقه‌مندان به مبانی ولایت فقیه هستند. این حوزه‌ها به واسطه ارائه درس‌هایی در

۱. برای نمونه، نک: آداب الصلوة، روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۲، ص ۱۲۵؛ صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۸؛ ولایت فقیه امام خمینی، بحث ولایت فقیه به استناد اخبار و برنامه برای مبارزه برای تشکیل حکومت.

رشته‌های فقه و اصول و علوم سیاسی و اجتماعی، دانشجویان را آشنا می‌کنند با مفاهیم و اصول ولایت فقیه و مسئولیت اجتماعی آنها در جامعه.

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی: حوزه‌های علمیه نقشی بسیار مهم در تقویت تبعیت از ولایت فقیه از طریق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کنند. این حوزه‌ها در اجرای فعالیت‌های مذهبی و معنوی مثل برگزاری نمازها، مجالس تربیتی و عاشورا و تشییع جنازه‌ها و غیره نقش دارند. این فعالیت‌ها سبب تقویت عقاید و نیت‌های طرفداران نظریه ولایت فقیه و تقویت تبعیت آنها از مقام رهبری شده و باعث توسعه انگیزه و علاقه آنها به شرکت در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود.

نقش در پایگاه‌های ارتباطی و رسانه‌ها: حوزه‌های علمیه در ایجاد و پشتیبانی از پایگاه‌های ارتباطی و رسانه‌هایی که بر مبنای اصول ولایت فقیه فعالیت می‌کنند، نقش دارد. این حوزه‌ها در ترویج و تبلیغ مفاهیم و اصول ولایت فقیه از طریق مقالات، کتاب‌ها، مجلات و وبسایت‌ها به فعالیت می‌پردازند. این فعالیت‌ها به ترغیب افراد به تقویت تبعیت از ولایت فقیه و ارتباط مستقیم با رهبری کمک می‌کنند.

حوزه‌های علمیه در جوامع اسلامی نقش مهمی در تقویت امید و استحکام رابطه مردم با نظام‌های اسلامی دارد. در ایران حوزه‌های علمیه همواره تأثیرات مهمی در سرنوشت سیاسی اجتماعی مردم ایران داشته‌اند، این تأثیرات به خصوص از زمان صفویه و با مهاجرت عده زیادی از علمای بزرگ شیعه به ایران آغاز و در برهه‌هایی مانند انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن نفت و قیام ۱۵ خرداد و ... به خوبی نمایان شد. امام خمینی رحمته الله علیه در توصیه به روحانیت بر این نقش تأکید نموده و می‌گوید:

مسئله‌ای است که به همه روحانیت و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱۷، ۴۹۳-۴۹۴).

حضور قوی حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر و ترویج گفتمان مردمی اسلام انقلابی، این امید را تقویت می‌کند و ارتباط مردم با ارزش‌ها و اصول حکومت اسلامی را تقویت می‌کند. این مراکز آموزشی به دوره‌های مختلف آموزشی، کلاس‌های تفسیر قرآن، حدیث و فقه اسلامی، کلاس‌های اخلاق، علوم سیاسی، علم اجتماعی و غیره می‌پردازند تا دانش و شناخت دینی افراد را بالا ببرند و آنها را با مفاهیم و ارزش‌های انقلاب آشنا کنند. این آموزش‌ها به ویژه در

دوران کودکی و نوجوانی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا در این دوره از زندگی اساسی‌ترین ارزش‌ها و مفاهیم به افراد آموزش داده می‌شود.

مجموعه‌های آموزشی و پژوهشی حوزه‌های علمیه نیز نقش مهمی در تولید گفتمان مردمی انقلاب اسلامی دارند. این مجموعه‌ها در ترویج ارزش‌ها و مفاهیم انقلاب اسلامی در جامعه فعالیت می‌کنند و با برگزاری کلاس‌ها، همایش‌ها، نشریات، کتاب‌ها و غیره، گفتمان و نظریه‌های انقلاب را در جامعه ترویج می‌کنند. این مجموعه‌ها معمولاً به صورت هماهنگ با سایر نهادها و سازمان‌های مردمی دیگر همکاری می‌کنند تا گفتمان مردمی انقلاب در سطح جامعه تقویت شود و افراد بیشتری به آن علاقه‌مند شوند.

در نتیجه، حوزه‌های علمیه با ارائه آموزش‌های دینی، ارزشی، تبلیغی، تربیتی و ترویج گفتمان مردمی انقلاب اسلامی، نقش بسیار مهمی در تقویت امید و استحکام رابطه مردم با نظام و ارزش‌های انقلاب اسلامی در جامعه منتظر ایفا می‌کنند.

وظایف در عرصه جامعه

مرجعیت فکری و ملجأ روحی مردم به معنای استوار بودن افراد و جامعه بر ارزش‌ها، اعتقادات و ایده‌هایی است که در طول زمان شکل گرفته و از نظر جمعیت بزرگی از افراد تأیید می‌شود. این مرجعیت‌ها قادرند افکار و رفتارهای افراد را هدایت کنند و برای آنها مسیری را ترسیم کنند.

هر شخص می‌تواند در زمینه‌های مختلف مرجعیت فکری خود را تعیین کند. این مرجعیت ممکن است از طریق تجربه شخصی، خانواده، محیط، دین، عقیده سیاسی یا دیگر عواملی که برای فرد مهم هستند، شکل گرفته باشد. مردم به عنوان یک جمعیت همچنین می‌توانند به مرجعیت‌هایی مانند موجودیت‌های طبیعی، تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های مشترک توجه کنند و براساس آنها تصمیم‌گیری کنند.

بنابراین، مرجعیت‌ها می‌توانند مبنایی برای تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارها باشند و در نهایت به عنوان هدایتگر و پیشرو در تحولات فردی و اجتماعی عمل کنند. به عنوان مثال، اعتقادات دینی و ارزش‌های مذهبی می‌توانند راهنمایی و هدایت‌کننده افراد در برابر موقعیت‌های زندگی باشند. همچنین، ایده‌های پیشرفته و نوآورانه هم می‌توانند به عنوان مرجعیت‌هایی برای رشد فردی و تحولات اجتماعی مورد استفاده قرار بگیرند.

در نتیجه، داشتن مرجعیت فکری و ملجأ روحی می‌تواند به افراد کمک کند تا در

تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود مؤثرتر باشند و زندگی را با هدف و جهت بهتری پیش ببرند. حوزه علمیه به عنوان مرجعیت فکری و ملجأ روحی مردم و هدایتگر و پیشرو در جامعه دارای وظایف گوناگونی است. این وظایف شامل موارد زیر می‌شود:

تدریس علوم اسلامی: حوزه‌های علمیه بر عهده دارند تا علوم قرآنی، حدیثی، فقهی و عقایدی را به دانشجویان و عموم مردم تدریس و آموزش دهند. این تدریس به عنوان مرجعیت فکری برای مسائل دینی و شرعی در جامعه عمل می‌کند.

انتشار و تبلیغ اصول و ارزش‌های دینی: حوزه‌های علمیه باید دستاوردهای فکری و دینی خود را به جامعه منتقل کنند. آنها به عنوان مرجعیتی برای تبلیغ ارزش‌ها، اصول و دلایل دینی به کار می‌روند که به جامعه کمک می‌کند تا مناسب‌ترین راه برای زندگی اسلامی را پیش بگیرد. **ارائه پاسخ به سوالات دینی:** حوزه‌های علمیه عهده‌دار پاسخ به سؤالات و شبهات دینی مردم هستند. آنها به عنوان مرجعیت فکری در جامعه و خاصیت دانشمندان دینی به این وظیفه می‌پردازند و با توجه به تسلط بر اصول و منابع مذهبی و فقهی پاسخ صحیح را ارائه می‌دهند.

رهبری اجتماعی: حوزه‌ها علمیه در جامعه نقش هدایتگر و پیشروی را بر عهده دارند. آنها باید راهنمایی کنند و به مردم کمک کنند تا راهی صحیح برای زندگی دینی انتخاب کنند و نگرانی‌ها و مشکلات اجتماعی را بهبود بخشند و سعی کنند به مردم کمک کنند تا بهترین زندگی دینی را داشته باشند.

تأکید بر عدالت محوری یکی از اصول اصلی سیاسی و جامعه‌شناسی است که بر توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها در جامعه تأکید می‌کند. این مفهوم این اصل را تأسیس می‌کند که همه افراد برابر و ارزشمند هستند و باید برابری منافع و حقوق داشته باشند.

عدالت محوری به دنبال خلق یک جامعه است که همه اعضای آن به طور عادلانه و برابر در بهره‌برداری از منابع و فرصت‌ها شرکت کنند. این مفهوم به طور ویژه بر نیازهای و مشکلات افراد دست می‌زند که به دلیل تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن است با مشکلات و عدم توانایی‌های دیگران مواجه شوند.

اجرای عدالت محوری به معنای تسهیل در دسترسی به خدمات اساسی، فرصت‌های آموزشی، شغل‌های بالاتر، محیط زیست سالم و دسترسی به عدالت است. همچنین می‌تواند به معنای اصلاح نظام‌ها و قوانینی باشد که تبعیض را از بین ببرند و براساس ارزش‌های عدالت خواهانه عمل کنند.

اهمیت عدالت محوری در سیاست گذاری نیز این است که به خلق سیاست های عمومی می کوشد که به نفع همه شهروندان باشد و گروه های ضعیف تر و نیازمندتر را حمایت کند. این می تواند به منظور خلق یک جامعه پایدارتر و مستقل تر است.

در نهایت، تأکید بر عدالت محوری تأکیدی است که بر ارزش انسانی تأکید می کند و سعی می کند به توزیع منابع و فرصت های عادلانه بین افراد پیش برود.

بحران های فکری در جامعه ایران و جهان اسلام به مسائلی اشاره می کند که باعث ایجاد ناراحتی، تنش و عدم توافق در فکر و عقاید افراد می شود. این بحران ها می توانند در سطوح مختلفی ظهور و بروز پیدا کنند و به تشدید تقابلات و نزاعات فکری منجر شوند. در ادامه به برخی از این بحران ها اشاره می شود:

احساس عدالت: در جامعه ایران و جهان اسلام، بحرانی که ممکن است به دلیل عدم حس کفایت از عدالت اجتماعی، تبعیض، فقر و نابرابری اقتصادی و اجتماعی و عدم دسترسی به امکانات اساسی، رخ دهد. این بحران می تواند باعث ایجاد عدم ثبات اجتماعی و ناامنی در جامعه شود.

انحصار قدرت: در جامعه ایران و دیگر کشورهای جهان اسلام، برخی معتقدند که بحرانی در حال رخ دادن است که به دلیل انحصار قدرت در دست نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، کمبود دموکراسی و عدم اهتمام به شفافیت، به وجود آمده است. این بحران می تواند منجر به سرکوب آزادی عقیده و فشار بر اپوزیسیون و جنبش های مدنی شود.

برخورداري از فرصت ها و توسعه نیروهای انسانی: بحران دیگری که می تواند در جامعه ایران و جهان اسلام به وجود آید، عدم ارتباط مناسب بین توسعه نیروهای انسانی و فرصت های شغلی و اقتصادی است. این بحران می تواند باعث ایجاد بیکاری و افزایش فقر و نابرابری اجتماعی شود.

مداخله خارجی: در جامعه ایران و کشورهای جهان اسلام، بحران می تواند به دلیل مداخله خارجی در شئون داخلی و تحدید حقوق مردمان باشد. این مداخله می تواند ناامنی و نارضایتی را در جامعه به وجود بیاورد.

به طور کلی بحران های فکری می تواند به عدم توافق در موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منجر شود. جمعیت ایران و جهان اسلام نیازمند قدرتمند کردن نقش آموزش و پرورش در جامعه، توسعه فکری و آزادی عقیده، تحقق عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی پایدار و راهبردهای سازنده برای مقابله با بحران های فکری است.

بحران های فکری مهمی که در جامعه ایران و جهان اسلام وجود دارند عبارتند از:
بحران هویت: جامعه ایران و جهان اسلام با چالش های بزرگی درباره هویت خود مواجه است. این بحران شامل حفظ هویت فرهنگی و مذهبی در مقابل فرهنگ های غربی، تعارض بین اسلام و مدرنیته و سؤالات درباره هویت جنسیتی و جامعه را فرا می گیرد.

بحران اعتقادات و سکولاریسم: در جامعه ایران و جهان اسلام، تعارضات و بحران های بین اعتقادات مختلف وجود دارد. این بحران شامل تعارض بین شیعه و سنی، تعارض بین اعتقادات مذهبی و ایدئولوژی های سیاسی، تعارض بین اسلام و عقاید سکولار، و بحران های دیگری است.

بحران تفسیر قرآن و سنت: در جامعه ایران و جهان اسلام، تفسیر قرآن و سنت اسلامی با بحران هایی مواجه است. تفسیرات متعدد و متنوعی برای قرآن و سنت وجود دارد که اغلب در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی به تعارض می افتند.

بحران آموزش و تحصیلات: جامعه ایران و جهان اسلام با بحران هایی در زمینه آموزش و تحصیلات مواجه است. این بحران شامل نیاز به آموزش کیفیت بالا، توجه به مسائل جنسیتی و تفاوت های اجتماعی، رشد علوم و فناوری، و تحصیلات مذهبی است.

بحران اقتصادی و اجتماعی: جامعه ایران و جهان اسلام با بحران های اقتصادی و اجتماعی روبرو است. این بحران شامل بیکاری، فقر، تفاوت های طبقاتی، نابرابری جنسیتی، بی اعتمادی به دولت، و نابرابری اجتماعی است.

تمام این بحران ها نیاز به توجه و حلقه های داخلی و بین المللی دارند تا بتوانند به طور مؤثر مدیریت شوند.

حل بحران های موجود و پیش روی فکری در جامعه ایران و جهان اسلام نیازمند رویکردهای چندگانه است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

توسعه آموزش و پژوهش: برای حل بحران های فکری در جامعه، نخبگان و فعالان می توانند توجه خود را به توسعه آموزش علمی و پژوهش های علمی درباره مسائل فکری و اجتماعی اسلامی معطوف کنند. این توسعه می تواند با تشکیل مراکز تحقیقاتی، مدارس علمیه و دوره های آموزشی متنوع انجام شود.

ارتقای ارتباطات و رسانه ها: استفاده از رسانه های مدرن، به ویژه رسانه های اجتماعی، می تواند در ارتقای فرهنگ ها و ارزش های اسلامی مؤثر باشد. با ایجاد محتوای مناسب و عالی تر، می توان افراد را آگاه سازی کرده و به اندیشه ها و ارزش های مثبت هدایت کرد.

ترویج پژوهش‌ها و دیدگاه‌های پویا: برای حل بحران‌های فکری، در جامعه نیاز است تا پژوهش‌ها و دیدگاه‌های پویا ترویج شوند. از طریق نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها و دوره‌های آموزشی می‌توان این گونه پژوهش‌ها و دیدگاه‌ها را به افراد عرضه کرد و آنها را ترغیب به تفکر و پذیرش نظرات مختلف کرد.

ایجاد فضای دموکراتیک: حل بحران‌های فکری در جامعه نیازمند ایجاد فضای دموکراتیک است که در آن افراد بتوانند ارائه و استناد به نظرات شخصی خود را درباره مسائل مختلف انجام دهند. تشکیل گروه‌ها و سازمان‌ها حق جریان‌های شورایی و مجامع، انتخابات آزاد و فرصت‌های شغلی بیشتر برای همه عواملی هستند که می‌توانند فضای دموکراتیک را در جامعه تقویت کنند.

همکاری بین فعالان سیاسی و دینی: برای حل بحران‌های فکری در جامعه، همکاری و هماهنگی بین فعالان سیاسی و دینی ضروری است. این دو نیرو می‌توانند از نمونه‌های موفق در جوامع دیگر الهام بگیرند و در جهت هدف مشترک خود فعالیت کنند.

آگاهی بخشی و ترویج فرهنگ: برای حل بحران‌های فکری، آگاهی بخشی نقش به سزایی دارد. افراد باید درباره ارزش‌ها، اصول و قوانین دینی و فکری آگاهی کافی داشته باشند و در امور مختلف جامعه به آنها عمل کنند. همچنین ترویج فرهنگ با نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی نقش مؤثری در شکل‌دهی به ارزش‌ها می‌تواند داشته باشد.

در نهایت، برای حل بحران‌های فکری، لازم است که تمامی اقشار جامعه برای همکاری در راستای اهداف مشترک و با احترام به نظرات دیگران آمادگی داشته باشند. علاوه بر این، دولت‌ها و نهادهای مربوطه باید با ایجاد سیاست‌ها و تدابیر مناسب، در جهت حل بحران‌های فکری، پشتیبانی و تسهیل‌کننده عوامل شوند.

حفظ و گسترش وحدت، انسجام و اقتدار امت اسلامی اهداف مهمی است که باید در جهت آنها تلاش کنیم. حفظ وحدت به معنای حفظ یکپارچگی و همبستگی بین مسلمانان است و به آن می‌توانیم با ارتباط و همکاری خوب با هم و با پیش بردن ایثار عمل کنیم. همچنین، با حفظ وحدت، می‌توانیم نسبت به تهدیدها و تلاش‌های برای اشاعه تفرقه و دشمنی علیه اسلام و مسلمانان مقاومت کنیم.

نژاد و زبان و مذهب از واقعیت‌های موجود در میان مسلمانان است؛ اما اسلام گوهری فراتر از اینها دارد و مشترکات اسلامی، آن قدر وسیع و گسترده است که می‌تواند همه امت اسلامی را متحد گرداند و همه مسلمانان را در یک مسیر قرار دهد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۵۲).

گسترش وحدت نیز به معنای گسترش یکپارچگی و همبستگی بین مسلمانان است. برای رسیدن به این هدف، باید به مسلمانان از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و گروه‌های اجتماعی و سیاسی توجه کنیم و قدردان تنوع و غنی بودن این امت باشیم. همچنین، باید با تشویق به همبستگی و همکاری در مسائل مشترک و احترام به دیگران و قوانین اسلامی و همچنین با رعایت اصول اخلاقی به ایجاد یک محیط صالح برای گسترش وحدت کمک کنیم.

امام خمینی رحمته الله علیه در باره نقش مردم در انقلاب اسلامی می‌گوید:

آن چیزی که این جمهوری را حفظ کرده، وحدت و انسجام این جمعیت است؛ یعنی ملت همه با هم بودند که توانستند یک همچو معجزه‌ای را ایجاد کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۸، ۱۶).

حفظ اسلام به حفظ وحدت است... و این واجب است بر همه که حفظ کنند وحدت را (همان: ج ۲۰، ۵۷).

علاوه بر این، باید به دستیابی به انسجام درونی در امت اسلامی نیز توجه کنیم. انسجام به معنای وجود هماهنگی و رعایت اصول و ارزش‌های مشترک بین مسلمانان است. با توجه به تفاوت‌های مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین مسلمانان، باید به تفاهم و کاهش اختلافات بین آنها کمک کرده و فضایی را فراهم کنیم که همه مسلمانان با همدلی و همکاری بتوانند به اهداف مشترک خود دست یابند.

در نهایت، باید به شکوفایی اقتدار امت اسلامی نیز تلاش کنیم. اقتدار به معنای داشتن نفوذ و سطح برتری در مقابل دشمنان و رقباست. برای دستیابی به این هدف، باید نظامی قوی و متحد در برابر تهدیدها و خطرات ایجاد کنیم و با حفظ وحدت و انسجام می‌توانیم اقتدار امت را بالا برده و در مسائل بین‌المللی و سیاسی تأثیرگذار باشیم.

به طور کلی، حفظ و گسترش وحدت، انسجام و اقتدار امت اسلامی نیازمند تلاش همگانی است و باید با همکاری و همدلی مسلمانان، این اهداف را در جهت رشد و توسعه امت اسلامی پیش ببریم.

اولین عامل برای حفظ وحدت و انسجام امت اسلامی، تقویت و بالندگی دین و ایمان است. بنابراین، باید تلاش کرد تا آموزش و ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی بین اعضای امت اسلامی انجام شود. همچنین، باید توجه و حمایت خاصی به علما و روحانیون داشته شود تا بتوانند نقش خود را به عنوان رهبران محترم امت اسلامی در نظر گرفت و هدایت و راهنمایی کنند. یکی دیگر از عوامل مهم برای حفظ وحدت و اقتدار امت اسلامی، تجمع و تعاضد میان گروه

های مختلف مسلمانان است. برای این منظور، باید تلاش کرد تا طرفداری از همدیگر و تعامل فرهنگی و اجتماعی بین گروه‌های مختلف امت اسلامی ترویج شود. عمل به عنوان یک جامعه واحد و تمامیت‌آمیز در مقابل تهدیدات خارجی واجب است.

همچنین، برای حفظ وحدت و استحکام امت اسلامی، نیاز به قدرت و اقتدار اقتصادی، سیاسی و نظامی است. باید تلاش کرد تا اقتصاد امت اسلامی توانمند شود و توسعه پیدا کند. همچنین، باید از لحاظ سیاسی به رهبری قوی و عادلانه و اعتماد به نظام سیاسی در داخل پرداخته شود. همچنین، نیاز به قدرت نظامی است تا امنیت و امانت امت اسلامی تحت حفظ باشد.

در نهایت، برای گسترش و حفظ وحدت و اقتدار امت اسلامی، تعامل و همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز بسیار مهم است. باید تلاش کرد تا از طریق همکاری و تبادل فرهنگی و سیاسی با سایر کشورها و امت‌ها، موقعیت و جایگاه امت اسلامی در مقابل جهانیان تقویت شود.

به طور خلاصه، حفظ وحدت، انسجام و اقتدار امت اسلامی نیازمند تلاش‌های متعدد و گسترده در برخی از زمینه‌های اساسی است. وحدت و انسجام امت اسلامی فقط می‌تواند از طریق پیروی از ارزش‌های دینی و معنوی و همچنین همکاری و تعامل میان گروه‌های مختلف امت اسلامی تضمین شود. اما قدرت و اقتدار اقلیمی و جهانی نیز باید از طریق توسعه اقتصادی، قدرت نظامی و سیاسی تامین شود.

حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز آموزش عالی و تربیت اساتید دینی می‌توانند نقش جامعه منتظر را در حفظ و گسترش وحدت، انسجام و اقتدار امت اسلامی ایفا کنند. این حوزه‌ها براساس برنامه‌های آموزشی خود به مطالعه علوم دینی و شرعیات پرداخته و دانشجویان را در این زمینه‌ها آموزش می‌دهند. برخی از نقش‌های حوزه‌های علمیه در حفظ و گسترش وحدت، انسجام و اقتدار امت اسلامی عبارتند از:

تأمین نیروی متخصص: حوزه‌های علمیه تلاش می‌کنند تا نیروی متخصص و دارای علم دینی در جامعه ایجاد کنند که به حفظ وحدت امت اسلامی کمک کنند. این نیروها می‌توانند در راهبردگذاری اجتماعی، حل مسائل دینی و شرعی و ترویج ارزش‌های اسلامی به کار گرفته شوند.

مقام معظم رهبری می‌گوید:

حوزه علمیه، یک دستگاه تولیدی و یک کارخانه عظیم انسانی است؛ باید دایم تولید

کند؛ باید کتاب تولید کند؛ آدم و عالم تولید کند؛ متدین تولید کند؛ فکر تولید کند و حرف تازه‌یی بزند(بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).^۱

ترویج ارزش‌های اسلامی: حوزه‌های علمیه با آموزش علوم دینی و شرعیات، تلاش می‌کنند تا ارزش‌های اسلامی را در جامعه گسترش دهند و به افراد کمک کنند تا به انسجام اجتماعی و عمومی برسند. این ارزش‌ها شامل مسائل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که به حفظ وحدت و اقتدار امت اسلامی کمک می‌کنند.

مقام معظم رهبری این وظیفه را این‌گونه شرح داده و می‌گوید:

امروز شما که عناصر حوزه علمیه هستید، باید برای تمام طبقات مردم، خوراک فکری لازمی که آنها را به اسلام مؤمن کند، از گناه بیزار کند، به ثواب راغب کند، به رضای الهی مطمئن کند و آنها را به در خانه خدا ببرد، داشته باشید(همان).

حل اختلافات و توجیه وحدت: حوزه‌های علمیه دارای نیروی متخصص در علوم شرعی هستند که می‌توانند در حل اختلافات و بحث‌های دینی و اجتماعی کمک کنند. برخی از تفسیرکنندگان شرع و مراجع تقلید از حوزه‌های علمیه مشتق می‌شوند و در این زمینه می‌توانند نقش مهمی در توجیه و حفظ وحدت و انسجام در جامعه اسلامی ایفا کنند.

تحقیق و پژوهش: حوزه‌های علمیه می‌توانند به عنوان مراکز تحقیق و پژوهش در زمینه‌های دینی و شرعی عمل کنند. تحقیقات علمی و دقیق در این حوزه‌ها می‌تواند به فهم بهتر دین اسلامی و ارائه راهکارهای مبتنی بر دین و شرع به جامعه کمک کند.

حوزه‌های علمیه و اقناع جوانان و روشنفکران نسبت به شبهات ممکن است به طرق مختلفی برخورد کنند، بهترین روش برای اقناع جوانان و روشنفکران در برابر شبهات، استفاده از منطق قرآنی و تفکر اسلامی به صورت مستدل و دلیل‌محور است. مقام معظم رهبری وظیفه حوزه‌های علمیه را «تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استفهام‌های نسل جوان است؛ که این عمدتاً متوجه به روحانیت و حوزه‌های علمیه است. دائماً شبهه‌القائه می‌کنند؛ باید به‌طور دائم و به‌روز پاسخ شبهه‌ها را داد(بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷).^۲ جهت اقناع جوانان و روشنفکران در برابر شبهات، می‌توان از راهکارهایی چون: ۱. مطالعه عمیق کتاب‌های تفاسیر؛ ۲. فهم بهتر قوانین تفسیر؛ ۳. روشن شدن در مبانی

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2587>

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10302>

اسلام و اصول ایمانی؛ ۴. استفاده از منابع عمومی؛ ۵. برقراری گفتگو با منطق و آرامش؛ ۶. آشنایی با مثال‌های مستدل به صورت خلاصه استفاده کرد.

در کل، جوانان و روشنفکران با مهارت در تفسیر قرآن و استفاده مناسب و مستدل از تفکر اسلامی و قاعده منطقی آن، می‌توانند در برابر شبهات خود را ایمن کنند و اقناع بیشتری داشته باشند. علاوه بر آنچه که در بالا گفته شد می‌توان گفت: برای اقناع جوانان و روشنفکران در برابر شبهات، می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

شفافیت: برای اقناع جوانان و روشنفکران، باید به آنها پاسخ‌های مستدل و شفاف ارائه دهید. بدون این‌که به آنها احساس تهدید کرده یا بخشی از گروه خود را از بین ببرید، براساس واقعیت‌ها و دلایل مستند، به شبهات پاسخ داده و توضیح دهید که چرا نظریه یا مجموعه معتقدانه شما درست است.

بررسی فرضیات: برای اقناع کردن جوانان و روشنفکران، می‌توانید آنها را به بررسی فرضیات خود درباره مسئله دعوت کنید. به طور مثال، اگر شبهه این است که دین با علم منافات دارد، به آنها بگویید که فرضیه شما این است که دین و علم می‌توانند در کنار هم وجود داشته باشند و آیا این فرضیه در برابر آزمایش‌های واقعی و مستند مقاوم است یا خیر.

استفاده از منابع معتبر: برای اقناع جوانان و روشنفکران، استفاده از منابع معتبر و مستند ضروری است. آمار، مطالعات، تحقیقات و نظرات متخصصان در زمینه مورد نظر را مطرح کنید. اثبات کنید که واقعیت‌های مطرح شده توسط شما از طریق ارجاع به منابع قابل اعتماد حاکم بر آن زمینه تایید شده است.

استفاده از دلایل و استدلال‌ها: با استفاده از منطق قرآنی و تفکر اسلامی، می‌توانید از دلایل و استدلال‌های منطقی برای پاسخ به شبهات استفاده کنید. مهم‌ترین راه برای اقناع دیگران، استفاده از منطق قوی و استدلال‌های منطقی است. برای مثال، می‌توانید از تجربه‌های زندگی و رویدادهای تاریخی استفاده کنید و دلایل واضحی برای قبول عقاید اسلامی ارائه دهید.

بحث و گفتگو: به جوانان و روشنفکران اجازه دهید تا شبهات خود را بیان کنند و در مناظره با شما سؤالات خود را طرح کنند. به آنها فرصت دهید تا براساس منطق و دلیل خود ارجاع کنند و سپس با پاسخگویی مستدل و منطقی از صحت دلایل شما مطمئن شوید.

استفاده از مثال‌های واقعی: برای اقناع جوانان و روشنفکران، از مثال‌های واقعی و قابل درک استفاده کنید. نشان دهید که نظریه یا معتقدات شما در دیگر موارد واقعی قابل قبول است و برای حل مسائل و تحقق هدف‌ها موثر است.

به طور کلی، برای اقناع جوانان و روشنفکران باید عقلانیت، شفافیت و رویکرد مستدل را در پاسخ به شبهات به کار ببرید. همچنین، به دیگران اجازه دهید تا خود را در موضوع مورد نظر آموزش دهند و به جواب‌های شما برسند.

تلاش روحانیت و علما برای رفع مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مردم، از دیرباز تاکنون در جامعه‌های مختلف به مشاهده می‌رسد. روحانیت و علما به دلیل نقش مهمی که در جامعه دارند، مسئولیت بزرگی در حل و فصل مسائل اجتماعی دارند و تلاش می‌کنند تا با ارائه سخنان و راهکارهای مناسب، زمینه‌هایی را برای حل مشکلات فراهم کنند.

از اصلی‌ترین روش‌هایی که روحانیت و علما برای رفع مشکلات اجتماعی استفاده می‌کنند، می‌توان به ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی، آموزش‌های دینی و معنوی، تشویق به عدالت و مساوات اجتماعی، و همچنین ارائه نکات و توصیه‌هایی درباره مشکلات خانوادگی، سلامت روانی و اعتیاد اشاره کرد.

روحانیت و علما در این تلاش‌ها به منابع دینی و اخلاقی واقف هستند و تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از آنها، به ارائه راهکارهایی مناسب برای رفع مشکلات اجتماعی بپردازند. علاوه بر این، آنها تلاش می‌کنند با برگزاری سخنرانی‌ها، همایش‌ها و دوره‌های آموزشی، افکار عمومی را نسبت به مسائل اجتماعی تغییر دهند و افراد را برای مشارکت فعال در رفع مشکلات اجتماعی ترغیب کنند.

ضمناً، روحانیت و علما نقش مهمی در خدمات اجتماعی نیز دارند. آنها با تأسیس مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز فرهنگی و آموزشی، کمک‌های مالی و معنوی به نیازمندان، و همچنین ارائه خدمات روحانی به مردم، در رفع مشکلات اجتماعی و کاهش آسیب‌ها تلاش می‌کنند. بنابراین، تلاش روحانیت و علما در رفع مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مردم بسیار مهم است و با توجه به نقش آنان در جامعه، این تلاش‌ها می‌تواند نقش مؤثری در بهبود و توسعه جامعه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به نقش و وظایف حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر در اندیشه امامین انقلاب اشاره شده است. این حوزه‌ها عموماً به عنوان مراکزی برای آموزش قوانین اسلامی و دانش‌های علوم دینی فعالیت می‌کنند. اما دوران حاکمیت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فضایی خاص را برای حوزه‌های علمیه فراهم می‌کند و وظایف آنها تغییر می‌کند.

یکی از نقش‌های اساسی حوزه‌های علمیه در جامعه منتظر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترویج دانش و آموزش در حوزه‌ی دینی است. آنها مسئولیت بزرگی در آماده‌سازی مردم برای ظهور دارند و باید دانش لازم را در زمینه‌ی اسلام و دین به آنها ارائه کنند. این آموزش ممکن است شامل مباحث مذهبی، قوانین اسلامی، اخلاق و ارزش‌های دینی و سایر موارد مربوطه باشد. علاوه بر آموزش، حوزه‌های علمیه مسئولیت ترویج ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در جامعه را نیز بر عهده دارند. آنها باید به معرفی اصول و قواعد اسلامی در جامعه و فراگیر شدن آنها کمک کنند. از این رو، حوزه‌های علمیه می‌توانند با برگزاری نشریات، کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها و همچنین با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و دیگر وسایل ارتباط جمعی، ارزش‌ها و اصول دینی را به جامعه ارائه کنند.

وظیفه دیگر حوزه‌های علمیه کمک به آماده‌سازی جامعه برای آینده‌ای روشن است. آنها باید در جامعه فضایی را فراهم کنند که مردم بتوانند با ارائه مشاوره و رهنمودهای دینی به خوبی در اجرای دستورات مهدوی فعالیت کنند. این شامل فعالیت‌هایی می‌شود که مردم را برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کند، از جمله برگزاری برنامه‌های آموزشی و تربیتی، ترویج عدالت و انصاف در جامعه، و پیشبرد شئون سیاسی و اجتماعی براساس اصول دینی. با تلاش‌های این حوزه‌ها، جامعه می‌تواند آماده ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده و راهی برای پیشرفت و سعادت بشریت در زمان حاکمیت وی فراهم آورد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ش)، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ش)، *حوزه علمیه: چیستی، گذشته، حال، آینده*، بی‌جا: مؤسسه اشراق و عرفان، اول.
۳. ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۶ش)، «شاخص‌های علوم حوزوی در تراز حوزه انقلابی (با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام ظلّه)»، *فصل‌نامه علمی تخصصی سپهر سیاست*، دوره ۴، شماره ۱۴.
۴. آقا نوری، حمید (۱۳۹۱ش)، *اخلاق حرفه‌ای و وظایف صنفی روحانیت از نگاه امام خمینی رحمته الله علیه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.

۵. بنی هاشمی، محمد (۱۳۸۹ ش)، *درآمدی بر تربیت عقلانی*، تهران: انتشارات منیر، اول.
۶. دفتر امور دانش نخبگان (۱۴۰۱ ش)، *کارویژه‌های روحانیت در عرصه حوزه علمیه، جامعه و نظام بین‌الملل*، قم: بی‌نا.
۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸ ش)، *مظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه*، تحقیق: محمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۸. قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸ ش)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ ش)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۵ ق)، *الاصول من الکافی (کتاب العقل والجهل)*، بیروت: دارالأضواء.
۱۱. گروه نویسندگان دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام (۱۳۸۹ ش)، *حوزه و روشنفکری*، قم: بوستان کتاب، اول.
۱۲. گلشن، محمدرسول (۱۳۹۳ ش)، *جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی*، بی‌جا: نشر دوران، هشتم.
۱۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲ ش)، *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷ ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.

15. <https://farsi.khamenei.ir>

16. <https://rasanews.ir/fa/news>

1. <https://www.khabaronline.ir/news>